

واجباتی که بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروری است

از سخنان:

الشیخ محمد بن سلیمان التمیمی و نواده‌های او

جمع‌آوری:

الشیخ عبدالله بن إبراهيم القرعاوی

ترجمه:

إسحاق دبیری رحمه الله

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم
فهرست مطالب

مقدمه مترجم	۳
أصول سه گانه که یادگیری آن بر هر مسلمان زن و مرد واجب است:.....	۵
أصل دین مبین اسلام و أساس آن دو چیز است:.....	۵
شروط لا إله إلا الله:	۶
دلیل این شرطها از قرآن و سنت پیغمبر ﷺ:.....	۶
نواقض اسلام	۱۳
توحید بر سه نوع است:	۱۷
ضد توحید شرک است:	۱۸
شرک اکبر بر چهار نوع تقسیم می شود	۱۹
نوع دوم، شرک أصغر که آنرا ریاء می گویند	۲۱
نوع سوم از أنواع شرک، شرک خفی است	۲۱
کفر بر دو نوع تقسیم می شود	۲۲
نفاق بر دو نوع تقسیم می شود	۲۳
معنای طاغوت و انواع اصلی آن	۲۴

مقدمه مترجم

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ وَأَنْفُسَنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ أَمَّا بَعْدُ:

خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾ [النساء: ۳۶].

«و خداوند را پرستش کنید و چیزی را با او شریک نیاورید».

رسول الله ﷺ به معاذ بن جبل رضی الله عنه می‌فرماید: «هَلْ تَدْرِي مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ. قَالَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: أَنْ يَعْبُدُوهُ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا. ثُمَّ سَارَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ يَا مُعَاذُ بَنَ جَبَلٍ. قُلْتُ لَبَّيْكَ رَسُولَ اللَّهِ وَسَعْدَيْكَ. قَالَ: هَلْ تَدْرِي مَا حَقُّ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ أَنْ لَا يُعَذِّبَهُمْ»^۱.

«آیا می‌دانی حق خدا بر بندگان چیست؟ گفت: خدا و رسول خدا بهتر می‌دانند، فرمود: اینکه خدا را عبادات کنند و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهند، سپس فرمود: آیا میدانی حق بندگان بر خدا چیست اگر این عمل را (حق خدا را) انجام دادند؟ اینکه آنها را عذاب ندهد».

چیزی که در آن هیچ شک و تردیدی نیست اینکه: علم و دانش خدا شناسی، و عقیده اسلامی، اساس و بنیاد تمامی دانش‌ها بشمار می‌رود، شایسته آن است که ما تمامی مسلمانان به آن عنایت بهتر و بیشتری داشته باشیم تا اینکه به موجب آن اعمال و کردار ما صحیح و نزد باری تعالی مورد قبول باشد، بخصوص در این زمان که جریانات انحرافی و گمراه کننده کفر و إلحاد و تصوف و رهبانیت و جریان قبر پرستی و شرک و بدعتها و مخالفت‌های پیروی از پیامبر ﷺ و سنت او همه جا فراگرفته و تمامی این

جریانات خطرناک است اگر مسلمان مسلح به سلاح عقیدهٔ صحیح که از قرآن و سنت و فهم سلف و گذشتگان اُمت محمدی است، نباشد بیم آن می‌رود که این جریانات منحرف و گمراه کننده او را به طرف خود بکشد.

به همین دلایل برای مسلمان یادگیری عقیدهٔ صحیح اسلام و عنایت و توجه خاص به آن ضروری و لازم است تا در چنگال این جریانات انحرافی و گمراه کننده نیافتیم.

به این سبب ما این کتاب را که: «الواجبات المتحتمات المعرفة علی کل مسلم ومسلمة» «واجباتی که بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروری است» نام دارد، و از سخنان شیخ محمد بن سلیمان التمیمی و نواده‌های او، و جمع و ترتیب شیخ عبدالله بن ابراهیم القرعاوی است، ترجمه کرده و به مسلمانان جهان، بزرگ و کوچک، و پیر و جوان تقدیم می‌داریم. امید است مورد قبول قرار گیرد و آنرا مطالعه کرده نقاط مهم آنرا درک کنند تا در زندگی روز مرهٔ خود، دنیا و آخرت کامیاب شوند.

و در پایان از باری تعالی خواهانیم که ما را بر این عمل متواضع أجر و پاداش نیک عطا فرموده آنرا خالصاً مورد رضا و خشنودی خود قرار دهد.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین، وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

أصول سه گانه که یادگیری آن بر هر مسلمان زن و مرد واجب است:

و آنها هم عبارتند از: اینکه بندهٔ خدا، دین پیامبرش محمد ﷺ را بشناسد.
پس اگر به تو گفته شود پروردگار تو کیست؟
بگو: پروردگار من کسی است که تمامی جهانیان را با نعمت‌های خود آفریده و پرورش داده، و اوست معبود و پروردگار من، و غیر از او من معبود دیگری ندارم.
و اگر بتو گفته شود دین تو چیست؟
بگو: دین من اسلام است، و آنهم تسلیم شدن به خدای یکتا و اطاعت از او، و براءت از شرک و مشرکان.
و اگر بتو گفته شود پیامبر تو چه کسی است؟
بگو: محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم، و هاشم از قبیله و طایفهٔ قریش است، از عرب‌هاست، و عرب از نسل و فرزندان اسماعیل بن ابراهیم الخلیل هستند، بهترین سلام‌ها و درودها نثار آنان باد.

أصل دین مبین اسلام و أساس آن دو چیز است:

- ۱- أمر به عبادت و پرستش خدای یکتا و بی‌همتا، وادار کردن بر آن، و دوستی و خیر خواهی در آن، و کافر دانستن کسی که این دین را ترک و مخالفت آن کند.
- ۲- برحذر داشتن از شرک در عبادت خدا، و شدت نکیر و مخالفت در آن، و دشمن دانستن کسی که این عمل را انجام می دهد، و کافر دانستن کسانی که شرک می‌ورزند.

شروط لا إله إلا الله:

- ۱- دانستن معنای آن بطور نفی و اثبات.
یعنی (لا إله) نفی تمام انواع عبادت از غیر خدا.
و (إلا الله) اثبات تمام انواع عبادت برای خدای یگانه.
- ۲- یقین: و آنهم عبارتست از اینکه: علم و یقین کامل به آن داشته باشیم، علمی که در آن شک و تردیدی وجود نداشته باشد.
- ۳- إخلاص: همان إخلاصی که مخالف شرک است.
- ۴- راست: همان راستی که با دروغ منافات دارد و مانع از نفاق می شود.
- ۵- دوست داشتن این کلمه و آنچه بر آن دلالت دارد و خوشحال بودن به اسلام و توحید.
- ۶- تسلیم شدن به حقوق آن، و آنهم انجام عملهای واجب بطور خالص برای خدا و طلب رضای او.
- ۷- قبولی که منافی و مخالف به رد کردن آن می باشد.

دلیل این شرطها از قرآن و سنت پیغمبر ﷺ:

- دلیل اول: آنهم علم و معرفت به معنای آن: ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ [محمد: ۱۹].
«پس یقین بدان که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست».
- و ﴿إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [الزخرف: ۸۶].
«بلکه کسانی (چنین حقی دارند) که آنان دانسته به حق گواهی داده باشند».
- ﴿وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ یعنی «می دانند با دلهایشان»، آنچه زبانهای آنها با آن نطق کرده است.

عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ»^۱.

«هرکسی که بمیرد و بداند که هیچ معبودی بر حق غیر از خدای یکتا نیست، به بهشت داخل می‌شود».

دلیل یقین و ایمان داشتن به آن: خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾^{۱۵} [الحجرات: ۱۵].

«مؤمنان تنها آنانند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، آنگاه شک به دل راه نداده‌اند و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد کرده‌اند. اینانند که راستگویند».

خداوند برای صدق و راستی ایمان‌شان به خدا و رسول شرط کرده که شک به دل خود راه ندهند، یعنی شک نکنند، زیرا کسی که شک کند از منافقین بشمار می‌رود. و از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّي رَسُولُ اللَّهِ لَا يَلْقَى اللَّهَ بِهِمَا عَبْدٌ غَيْرُ شَاكٍّ فِيهِمَا إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ». وفي رواية: «لَا يَلْقَى اللَّهَ بِهِمَا عَبْدٌ غَيْرُ شَاكٍّ فِيهِمَا فَيَجِبُ عَنِ الْجَنَّةِ»^۲.

«گواهی می‌دهم که معبودی بر حق جز خدای یکتا نیست، و من فرستاده و رسول خدا هستم، هرکسی با این دو گواهی خدا را ملاقات کند، و در آن شکی در دل نیاورد، به بهشت داخل خواهد شد، و در روایتی آمده است: هرکسی با این دو گواهی خدا را ملاقات کند در حالیکه شکی در دل او نباشد، از داخل شدن به بهشت جلوگیری نخواهد شد».

۱- مسلم.

۲- مسلم.

و در جزئی از حدیثی که أبوه‌ریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کند آمده است که فرمودند: «...مَنْ لَقِيتَ مِنْ وَرَاءِ هَذَا الْحَاوِطِ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُسْتَيَقِنًا بِهَا قَلْبُهُ فَبَشِّرْهُ بِالْجَنَّةِ»^۱.

«هر که را پشت این دیوار ملاقات کردی که گواهی می‌دهد: که هیچ معبودی بر حق غیر از خدای یکتا نیست، در حالیکه دلش متیقن به آن باشد. به بهشت مژده بده».

و دلیل إخلاص در آن: ﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ﴾ [الزمر: ۳].

«آگاه باشید که دین خالص (پاک از ریا و نفاق) برای خدای یکتا است».

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾ [البینه: ۵].

«و فرمان نیافتند جز آنکه خدا را - در حالی که پرستش را برای او خالص ساخته‌اند با پاکدلی (دین ورز به آیین ابراهیمی) - بپرستند و نماز بر پا دارند و زکات بپردازند و این است آیین راستین».

و دلیل از سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله حدیث صحیح و ثابت که أبوه‌ریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: «أَسْعِدُ النَّاسَ بِشَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، خَالِصًا مِنْ قَلْبِهِ أَوْ نَفْسِهِ»^۲.

«خوش بخت‌ترین و سعادتمندترین مردم به شفاعت من روز قیامت کسانی هستند که بگویند: معبودی بر حق غیر از خدای یکتا نیست، و این گواهی خالص از قلب و جانش باشد».

و در صحیح عتبان بن مالک رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ عَلَى النَّارِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. يَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ»^۳.

۱- مسلم.

۲- بخاری.

۳- مسلم.

«هر آئینه خداوند حرام کرده بر آتش کسی را که بگوید: معبودی بر حق بجز خدای یکتا نیست، و با این سخن خود رضای خداوند را می‌طلبد».

امام نسائی در کتاب: «عمل الیوم و اللیلة» از دو نفر از صحابه رضی الله عنهما روایت می‌کند که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «من قال لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير مخلصاً بها قلبه، يصدق بها لسانه، إلا فتق الله لها السماء فتقاً حتى ينظر إلى قائلها من أهل الأرض، وحق لعبد الله إليه أن يعطيه سؤله»^۱.

«هر کسی که گفت: هیچ معبودی بر حق غیر از خدای یکتا نیست، و او هیچ شریکی ندارد، و برای اوست ملک جهانیان و حمد و ستایش، و او بر همه چیز قادر است، در حالیکه گفته‌اش به آن خالصانه از قلب او باشد، و زبان او بر آن تصدیق کند، خداوند آسمان را شکافته تا به گوینده این کلمات که از مردم زمین است بنگرد، و خوشا به کسی که خدا به او نگاه کند، که اگر از او سؤال و دعائی کند خداوند به او عطا می‌فرماید».

و دلیل صدق و راستگویی: خداوند می‌فرماید: ﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ۚ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾ [العنکبوت: ۲-۳].

«آلم این حروف اشاره به اَسْمَاء و یا اَسْرَار بین خدا و رسول خداست و تفسیر زیادی در این کلمه آمده است. آیا مردم می‌پندارند که رها می‌شوند به (مجرد) آنکه بگویند: ایمان آورده ایم و آنان آزموده نمی‌شوند. و به راستی کسانی را که پیش از آنان بودند، آزمودیم. پس البته خداوند آنان را که راست گفتند معلوم می‌دارد و دروغگویان را (نیز) معلوم خواهد داشت».

و در حدیث صحیح معاذ بن جبل رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صِدْقًا مِنْ قَلْبِهِ إِلَّا حَرَّمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّارِ»^۱.

«هرکس گواهی دهد که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست و محمد بنده و فرستاده^۲ خداست، و این گواهی صادقانه و از قلب او باشد، خداوند آتش جهنم را بر او حرام می‌گرداند».

و دلیل دوستی و محبت:

خداوند می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» [البقرة: ۱۶۵].

«و از مردم کسانی هستند که به جای خدا همتیانی را (برای او) برمی‌گیرند که آنها را مانند دوست داشتن خدا دوست می‌دارند - و مؤمنان در دوستی خدا قوی‌ترند -».

و همچنان خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ ۖ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ ۖ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۚ ذَٰلِكُمْ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» [المائدة: ۵۴].

«ای مؤمنان. هرکس از شما که از دینش برگردد (بداند که) خداوند گروهی را در میان خواهد آورد که آنان را دوست می‌دارد و (آنان نیز) او را دوست می‌دارند. (قومی که) بر مؤمنان فروتن و بر کافران درشتخویند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌هراسند».

انس بن مالک رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا، وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ، وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقَذَّفَ فِي النَّارِ»^۱.

«سه چیز است که اگر در انسان باشند شیرینی ایمان را درک می‌کند: اینکه خدا و رسول او محبوبتر از همه چیز باشد، و اینکه مردم را فقط برای خدا و رضا و خشنودی او دوست بدارد، و اینکه از برگشتن به کفر بعد از آنکه خداوند او را از آن نجات داده نفرت داشته باشد، همچنانکه از پرتاب شدن و انداختن خودش در آتش نفرت دارد».

دلیل انقیاد و تسلیم شدن: خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلُمُوا﴾ [الزمر: ۵۳].

«و پیش از آنکه عذاب به شما رسد، آنگاه یاری نیابید به سوی پروردگارتان باز آید و در برابر او تسلیم شوید».

و خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ﴾ [النساء: ۱۲۵].

«و چه کسی نیک آیین‌تر است از کسی که نیکوکارانه روی خویشتن به سوی خدا نهاد (یعنی راه فرمانبری خدا و إخلاص برای او در پیش گرفت)».

و خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ [لقمان: ۲۲].

«و هرکس نیکوکارانه روی (دل) خویش به سوی خداوند آورد، بداند که به دست آویزی استوار چنگ زده است».

و همچنین می‌فرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵].

«سوگند به پروردگارت، (در حقیقت) ایمان نیاورند مگر آنکه در اختلافی که بین آنان درگرفت، تو را داور کنند. آنگاه از آنچه حکم کردی در خود هیچ دلتنگی نیابند و کاملاً گردن نهند».

و در حدیث رسول الله ﷺ فرمودند: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ»^۱.

«هیچکس از شما مؤمن نمی شود تا اینکه هوی و هوس و دوستی او تابع و موافق آنچه من آورده ام نباشد».

و این منت‌های انقیاد و تسلیم شدن می باشد.

دلیل قبول کردن و تسلیم شدن به حقوق آن: خداوند می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ ﴿٣٣﴾ قُلْ أُولُو جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٤﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظَرُ كَيْفَ كَانَ عَقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٥﴾﴾ [الزخرف: ۲۳-۲۵].

«و همچنین پیش از تو در هیچ شهری هشدار دهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه نعمت یافتگانش گفتند: ما پدرانمان را (پایبند) به آیینی یافته ایم و بی گمان بر رد و نشان آنان اقتدا می کنیم. بگو: آیا (به پیروی از پدرانمان پایبند می مانید) هر چند برایتان هدایت کننده‌تر از آنچه پدرانمان را بر آنان یافته اید، آورده باشیم؟ گفتند: ما به آنچه به آن رسالت یافته اید، ناباوریم. آنگاه از آنان انتقام گرفتیم، پس بنگر سرانجام دروغ انگاران چگونه بود؟».

خداوند می فرماید: ﴿إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾ وَيَقُولُونَ أَنِنَا لِتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ ﴿٣٦﴾﴾ [الصافات: ۳۵-۳۶].

«آنان (چنان) بودند که چون به آنان گفته می‌شد: معبودِ حقّی جز خداوند (یگانه) نیست، سرکشی می‌کردند. و می‌گفتند: آیا ما معبودانِ خویش را به خاطر (سخن) شاعری دیوانه ترک گوئیم؟».

و ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَثَلُ مَا بَعَثَنِي اللَّهُ بِهِ مِنَ الْهُدَى وَالْعِلْمِ كَمَثَلِ الْغَيْثِ الْكَثِيرِ أَصَابَ أَرْضًا، فَكَانَ مِنْهَا نَقِيَّةٌ قَبِلَتْ الْمَاءَ، فَأَنْبَتَتِ الْكُلَّ وَالْعُشْبَ الْكَثِيرَ، وَكَانَتْ مِنْهَا أَجَادِبُ أَمْسَكَتِ الْمَاءَ، فَنَفَعَ اللَّهُ بِهَا النَّاسَ، فَشَرِبُوا وَسَقَوْا وَزَرَعُوا، وَأَصَابَتْ مِنْهَا طَائِفَةٌ أُخْرَى، إِنَّمَا هِيَ قِيعَانٌ لَا تُمْسِكُ مَاءً، وَلَا تُنْبِتُ كَلًّا، فَذَلِكَ مَثَلُ مَنْ فَقِهَ فِي دِينِ اللَّهِ وَنَفَعَهُ مَا بَعَثَنِي اللَّهُ بِهِ، فَعَلِمَ وَعَلَّمَ، وَمَثَلُ مَنْ لَمْ يَرْفَعْ بِذَلِكَ رَأْسًا، وَلَمْ يَقْبَلْ هُدَى اللَّهِ الَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ»^۱.

«مثال آنچه خداوند مرا بر آن مبعوث فرموده از هدایت و علم و دانش همانند باران زیادی است که بر زمین باریده بعضی از آن زمین پاک و قابل کشت بوده، پس از این باران استفاده کرده و علف و گیاهان زیادی می‌رویند، و بعضی دیگر خشک و بی‌حاصل ولی آب را نگه می‌دارد که مردم نفع برده از آن برای آشامیدن انسانی و حیوانی و زراعت استفاده می‌شود، و بعضی از آن زمین شوره زار بوده که نه آب را نگه می‌دارد و نه علف و گیاهی می‌رویند، و آن مثال کسی است که علم شریعت آموخته و از آن علم نفع و سود یافته و به دیگران نیز آموخته، و مثال کسی که به آن علم بی‌اعتنائی کرده و دانش و راه مستقیمی که خداوند مرا با آن مبعوث فرموده قبول نکرده است».

نواقض اسلام

بدانکه نواقض اسلام ده چیز است:

اول: شرک آوردن در عبادت خدای یکتا و برای او شریک قائل شدن.

۱- متفق علیه.

خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ [النساء: ۱۱۶].

«خداوند نمی‌بخشد که به او شرک آورده شود، و جز آن را برای هرکس که بخواهد، می‌آمرزد».

و می‌فرماید: ﴿مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ [المائدة: ۷۲].

«بی‌گمان کسی که به خداوند شرک آورد، خداوند بهشت را بر او حرام می‌گرداند و جایگاهش آتش (دوزخ) است، و ستمکاران یاورانی ندارند».

و از جمله شرک در عبادت خداوند متعال دعا کردن مردگان و طلب مدد خواستن از آنهاست، و همچنین نذر کردن و ذبح و قربانی برای آنهاست.

دوم: کسیکه بین خود و بین خدا واسطه قرار دهد و از آن واسطه چیزی بخواهد (یعنی دعای خود را متوجه او سازد) و از او شفاعت بطلبد و بر او توکل کند، چنین اشخاصی اجماع علماء و دانشمندان اسلام بر کفر آنان است.

سوم: کسیکه مشرکان را کافر نداند، و یا اینکه در کفر آن مشرکان شک و تردید داشته باشد، و یا اینکه مذهب آن مشرکان را صحیح بداند کافر است.

چهارم: کسیکه اعتقاد داشته باشد که هدایت و دستورهای غیر رسول اکرم ﷺ کامل‌تر و بهتر است از هدایت و دستورهای رسول اکرم ﷺ، و یا اینکه بگوید حکم و قضاوت غیر رسول الله ﷺ بهتر است از حکم و قضاوت پیامبر ﷺ، مانند کسانی که حُکْم و قضاوت طواغیت (قوانین رسمی کشوری) را که غیر شرعی باشد بر قوانین شرعی و دینی برتری می‌دهند و اینها همه کافر می‌باشند.

پنجم: کسیکه به چیزی از آنچه رسول الله ﷺ برای امت اسلامی از هدایت بشری و قضاوت و حُکْم به قرآن و سنت آورده، بُغض ورزد، اگرچه به آن حکم عمل کند، در حالیکه از آن نفرت دارد، باز هم جزو کافران می‌باشد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَلَهُمْ﴾ [محمد: ۹].

«این از آن است که آنان آنچه را که خدا نازل کرده است ناخوش داشتند، در نتیجه خداوند اعمالشان را تباه کرد».

ششم: هر کسیکه به چیزی از دین مبین اسلام مسخره و ریشخند کند، همان دینی که رسول الله ﷺ آنرا از طرف خداوند آورده، و یا از ثواب و نیکی و پاداش آن، و یا از جزا و عقاب و کیفر آن، کافر شود.

خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ أَيْدِي اللَّهِ وَأَيْدِيهِ وَرَسُولُهُ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ﴿٦٥﴾ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ﴾ [التوبة: ۶۵-۶۶].

«بگو: آیا بخدا و آیات او و رسولش ریشخند می‌کردید؟ عذر نیاورید، به راستی که پس از ایمانتان کفر پیشه کردید».

هفتم: سحر و جادوگری و آنچه شامل آن می‌شود از قبیل طر و دستی بین دوستان و جلب آن برای دیگران و کسی که آنرا انجام دهد، و یا از آن راضی شود کافر گردد، خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا يُعْلِمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ﴾ [البقرة: ۱۰۲]

«و (آن دو فرشته) به هیچ کسی (جادو) نمی‌آموختند مگر آنکه می‌گفتند: ما تنها (مایه) آموزشی هستیم، پس (با به کارگیری جادو) کافر مشو».

هشتم: پشتیبانی کردن از مشرکان و یاری کردن آنان بر ضد مسلمانان، خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [المائدة: ۵۱].

«و هرکس از شما آنانرا (یهود و نصاری) دوست گیرد، برآستی که خود از آنان است، بی‌گمان خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند».

نهم: کسیکه معتقد باشد که بعضی از مردم می‌توانند از شریعت و دین محمد ﷺ خارج شوند کافر می‌باشد.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ﴾ [آل عمران: ۸۵].

«و هرکس دینی جز اسلام بجوید، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است».

دهم: روی گردانی و اعراض نمودن از دین خدا و نیاموختن اسلام و عمل نکردن به آن.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ﴾ [السجده: ۲۲].

«و کیست ستمکارتر از کسی که به آیات پروردگارش پند یابد، آنگاه از آن روی بگرداند، بی‌گمان ما از گناهکاران انتقام خواهیم گرفت».

و در تمامی این نواقض و مخالفتها بین اینکه انسان جدی باشد و یا اینکه شوخی کند و یا از انجام آن بترسد، هیچ فرقی وجود ندارد، مگر کسیکه مکره یعنی مجبور شود به انجام آن عمل در حالیکه او راضی نیست.

و همه اینها از گناهان کبیره است که ممکن است مردم در آن واقع گردند.

پس بر مسلمان لازم است از آنها بر حذر باشد و بترسد از اینکه در این گناهان بیفتد و باید از آن اجتناب و دوری ورزد.

پروردگارا! ما از خشم و غضب و عقاب دردناک تو، به تو پناه می‌بریم.

توحید بر سه نوع است:

نوع اول: توحید ربوبیت: و آنهم توحیدی است که کفار قریش در زمان پیامبر ﷺ به آن اقرار و اعتراف داشتند، ولی با اینحال اقرارشان آنان را در اسلام داخل نکرد، بلکه رسول الله ﷺ با آنان در راه خدا به جنگ پرداختند، و جان و مال آنان را حلال فرمودند. و این توحید باری تعالی در أفعال و أعمال اوست.

خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣١﴾﴾ [یونس: ۳۱].

«بگو: چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد؟ یا کیست که حاکم بر گوش و دیدگان است؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و کیست که کار(هستی) را تدبیر می‌کند؟ خواهند گفت: خدا. پس بگو: آیا پروا نمی‌کنید؟».

نوع دوم: توحید ألوهیت: و آنهم توحیدی است که در آن، در زمان قدیم و در حال حاضر اختلاف شده است، و آن توحید خداوند است که أفعال و أعمال بندگان را بیان می‌کند، مانند: دعاء و نذر و قربانی و امید و آرزو و وحشت و توکل و شوق و میل و ترس و بیم و رجوع و إنابت، و هر کدام از این عبادت‌های بالا دلیلی از قرآن بر آن وارد شده است.

نوع سوم: توحید ذات و صفات و نام خدا

خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝﴾ [الاحلاص: ۱-۴].

«بگو: خداوند یگانه است. خداوند بی‌نیاز است. نه(فرزند) زاده، و نه زاده شده است. و هیچ کس همتای او(نبوده) و نیست».

و همچنین می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۰].

«و خداوند نامهای نیک دارد. پس به آن (نام‌ها) او را به (دعا) بخوانید، و آنان را که در نامهایش کجروی می‌کنند، رها کنید، (سزای) آنچه را می‌کردند، خواهند دید».

و می‌فرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱].

«چیزی مانند او نیست. و او شنوای بیناست».

ضد توحید شرک است:

و آنهم بر سه نوع تقسیم می‌شود:

- ۱- شرک اکبر.
 - ۲- شرک اصغر.
 - ۳- شرک خفی و پنهانی.
- شرک اکبر خداوند گناه او را نمی‌بخشد و هیچ عمل صالح و نیک را با آن قبول نمی‌کند.

خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۱۱۶].

«خداوند نمی‌بخشد که به او شرک آورده شود و جز آن را برای هرکس که بخواهد، می‌آمرزد، و هرکس به خداوند شرک آورد، به گمراهی دور و درازی گرفتار آمده است».

و می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَبْنِي إِسْرَءِيلَ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ [المائدة: ۷۲].

«به راستی کسانی که گفتند: خداوند همان مسیح فرزند مریم است، کافر شدند، حال آنکه (خود) مسیح گفته بود: ای بنی اسرائیل، خدا را که پروردگار من، و پروردگار شماست، بپرستید. بی گمان کسی که به خداوند شرک آورد، خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند و جایگاهش آتش (دوزخ) است. و ستمکاران یاورانی ندارند».

و همچنین می فرماید: ﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا﴾ [الفرقان: ۲۳].

«و به هرگونه کاری که کرده اند، می پردازیم. سپس آن را (چون) غبار بر باد رفته گردانیدیم».

و می فرماید: ﴿لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الزمر: ۶۵].

«اگر شرک آوردی، بی گمان عملکردت نابود شود. و به یقین از زیانکاران شوی».

و همچنین می فرماید: ﴿وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ۸۸].

«و اگر شرک می ورزیدند، آنچه را که کرده بودند، از (نامه اعمال) آنان زدوده می شد».

شرک اکبر بر چهار نوع تقسیم می شود

- ۱- شرک دعاء و طلب غیر از خدا یعنی : برای حل مشکلات و قضای حاجات. خداوند می فرماید: ﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِّ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾ [العنکبوت: ۶۵].

«پس چون در کشتی ها سوار شوند، خداوند را - در حالی که دین (خود) را برای او خالص می دارند - به دعا خوانند، پس چون آنان را (با آوردن) به خشکی رهایی بخشید، آن هنگام است که آنان شرک می آورند».

- ۲- شرک در نیت و إرادت و قصد و مقصود.

خداوند می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَتَهَا نُوفَّ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ﴾^{۱۵} اُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۶﴾ [هود: ۱۵-۱۶].

«هرکس که زندگانی دنیا و تجمل آن را خواسته باشد، (پاداش) کارهایشان را در آنجا برایشان به تمام و کمال می‌رسانیم و آنان در آنجا کاستی نبینند. اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش (جهنم) ندارند و آنچه در آنجا (دنیا) کرده بودند، بر باد رفته و آنچه را که انجام می‌دهند باطل است».

۳- شرک در اطاعت:

خداوند می‌فرماید: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَنَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾^{۳۱} [التوبة: ۳۱].

«احبار و رهبانان را به جای خداوند، به خدایی گرفته‌اند. و (نیز) مسیح بن مریم (را به خدایی گرفته‌اند) حال آنکه فرمان نیافته‌اند مگر آنکه معبود یگانه را بندگی کنند. معبود (حقی) جز او نیست. او از آنچه شرک می‌آورند، (بس) پاک (و منزّه) است».

تفسیر این آیه که در آن اشکالی نیست چنین می‌باشد: [عدم اطاعت علماء و زهاد و عباد در معصیت خدا، و عدم دعای آنها، چنانکه رسول الله ﷺ آنرا برای عدی بن حاتم^۱ تفسیر نمودند وقتی که از آن حضرت سؤال کرد که: ما آنان را نمی‌پرستیم! آن حضرت در جواب فرمودند: اطاعت آنان در معصیت خداوند عبادت گفته می‌شود].

۴- شرک در محبت و دوستی.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ﴾^{۱۶۵} [البقرة: ۱۶۵].^۱

۱- تفسیر آن قبلاً ذکر شد.

نوع دوم، شرک أصغر که آنرا ریاء می‌گویند

خداوند می‌فرماید: ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الكهف: ۱۱۰].

«پس کسی که به لقای پروردگارش امیدوار است باید که کار پسندیده ای انجام دهد و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نیاورد».

نوع سوم از انواع شرک، شرک خفی است

و آنهم شرک پنهان و غیر آشکار گفته می‌شود.

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «الشرك في هذه الأمة أخفى من ديب النملة السوداء على صفاة سوداء في ظلمة الليل»^۱.

«شرک در این امت محمدی مخفی‌تر از راه رفتن مورچه ای سیاه رنگ که بر تخته سنگ سیاهی در تاریکی شب بحرکت می‌افتد، می‌باشد».

و کفار و جبران این شرک، یعنی شرک مخفی و پنهانی حدیث رسول الله ﷺ است که می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَشْرِكَ بِكَ شَيْئًا وَأَنَا أَعْلَمُ وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنَ الذَّنْبِ الَّذِي لَا أَعْلَمُ»^۲.

«پروردگارا! من بتو پناه می‌برم اگر بتو شرک ورزم در حالی که می‌دانم، و از تو طلب بخشش می‌طلبم از گناهی که ندانسته انجام می‌دهم».

۱- ابن کثیر در تفسیر ۵۷/۱.

۲- أحمد.

کفر بر دو نوع تقسیم می‌شود

اولاً: کفری که انسان را از دین و دایرة اسلام خارج می‌کند، و آن پنج نوع است:

اول: کفر تکذیب خدا و رسول او.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ ۗ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿١٨﴾﴾ [العنکبوت: ۶۸].

«و کیست ستمکارتر از کسی که بر خداوند دروغ بدهد، یا حق را چون به سوی او آید، دروغ انگارد. آیا جایگاه کافران در جهنم نیست؟».

دوم: کفر عدم قبول حق و تکبر و غرور کردن، با دانستن و معرفت آن.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا ۖ اِلَّا اِبْلٰٓسَ اَبٰٓى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٤﴾﴾ [البقرة: ۳۴].

«و چون به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، پس (همه) سجده کردند مگر ابلیس که نپذیرفت و کبر ورزید و از کافران شد».

سوم: کفر شک و تردید و ظن.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَدَخَلَ جَنَّتُهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ ۚ قَالَ مَا أَظُنُّ اَنْ تَبِيدَ هٰذِهِ ۚ اَبَدًا ﴿٣٥﴾ وَمَا أَظُنُّ اِلَّا السَّاعَةَ ۚ فَآيَمَةً وَلَٓيْن رُّدِدْتُ اِلٰى رَبِّ لَاجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿٣٦﴾ قَالَ لَهُٗ صٰٓحِبُہٗ ۚ وَهُوَ يُحٰوِرُہٗ ۚ اٰكْفَرْتَ بِالَّذِی خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا ﴿٣٧﴾ لَّكِنَّا هُوَ ۗ اَللّٰهُ رَبِّیْ وَلَا اُشْرٰکُ بِرَبِّیْۤ اَحَدًا ﴿٣٨﴾﴾ [الکھف: ۳۵-۳۸].

«و در حالی که به خویشتن ستمکار بود به باغش در آمد. گفت: گمان نمی‌کنم که این (باغ) هیچگاه نابود شود. و گمان نمی‌کنم که قیامت بر پا شود، و اگر (هم) به سوی پروردگارم بازگردانده شوم، بی‌گمان بازگشتی بهتر از آنها خواهم یافت. همنشینش در حالی که با او گفتگو می‌کرد به او گفت: آیا به کسی کفر می‌ورزی که تو را از خاک، آنگاه از نطفه آفرید، سپس تو را

انسانی (کامل) ساخت. ولی من (باور دارم) که او خداوند، پروردگار من است و کسی را با پروردگارم شریک نمی سازم».

چهارم: کفر روی گردانی (ابا) از دین.

خداوند می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ﴾ [الأحقاف: ۳].

«و کافران از آنچه هشدار یافتند، روی گردانند».

پنجم: کفر نفاق.

خداوند می فرماید: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ

﴿[المنافقون: ۳].

«این از آن است که آنان ایمان آوردند، سپس کفر ورزیدند، و بر دلهایشان مهر نهاده شد،

پس آنان در نمی یابند».

یعنی: ایمان به زبان آوردند، و با دل خود کافر شدند.

ثانیاً: کفری که انسان را از دین اسلام خارج نمی کند و آنهم کفر نعمت است.

خداوند می فرماید: ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ

كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١١٢﴾

[النحل: ۱۱۲].

«و خداوند (درباره) شهری مثالی بیان نمود که ایمن آسوده بود، روزی اش به فراخی از

هرجا می رسید آنگاه (اهلش) به نعمت های خداوند ناسپاسی کردند، پس خداوند به (سزای) کار و

کردارشان بلای فراگیر گرسنگی و ترس را به (اهل) آن چشاند».

نفاق بر دو نوع تقسیم می شود

اول: نفاق اعتقادی . دوم: نفاق عملی.

نفاق اعتقادی شش قسمت است.

- و صاحب این نفاقها در پایین‌ترین نقطه از جهنم خواهد بود.
- ۱- کسی که رسول الله ﷺ را تکذیب کند.
 - ۲- کسی که بعضی از آنچه رسول الله ﷺ آورده تکذیب نماید.
 - ۳- کسی که از رسول الله ﷺ نفرت داشته باشد.
 - ۴- کسی که از بعضی از چیزهایی که رسول الله ﷺ از نزد خداوند آورده است، نفرت داشته باشد.
 - ۵- خوشحالی به کاسته شدن دین مبین اسلام و طرفداران آن.
 - ۶- نفرت داشتن از پیروزی اسلام بر کفر.
- نفاق عملی: نفاق عملی پنج قسمت است.
- رسول الله فرمودند: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُؤْتِيَ خَانَ»^۱.
- وفی روایة: «إِذَا خَاصَمَ فَجَرَ وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ»^۲.
- «علامت منافق سه چیز است: هنگام سخن گفتن دروغ می‌گوید، و اگر وعده دهد، وعده خلافی می‌کند و به وعده‌اش عمل نمی‌کند، و اگر به او امانت سپرده شود خیانت می‌کند - و در روایتی دیگر - اگر خصومت نماید فجور (بد و بیراه) می‌گوید، و اگر عهد و پیمانی با کسی ببندد، عهد شکنی و خیانت می‌کند».

معنای طاغوت و انواع اصلی آن

ای برادر بدان که اولین چیزی که خداوند بر بنی آدم فرض نمود کفر به طاغوت و ایمان به خدای یکتا است.

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶].

«به یقین در (میان) هر امتی رسولی را برانگیختیم، (با این دعوت) که: خداوند را بندگی کنید و از طاغوت بپرهیزید».

اما صفت و کیفیت کفر به طاغوت: باطل دانستن عبادت غیر خدا و ترک آن عبادت، و نفرت داشتن از آن و کافر دانستن کسی که چنین کاری را انجام می‌دهد و دشمنی کردن با او، این معنی کفر به طاغوت است.

و ایمان به خدا: معتقد بودن به خدای یکتایی که هیچ شریکی ندارد، و تمام عبادتها را خالصاً برای رضای او انجام دادن، و غیر از او هیچ معبود دیگری را نپرستیدن، و یکتا پرستان را دوست داشتن، و از آنان پشتیبانی کردن، و از مشرکان نفرت داشتن، و با آنان دشمنی کردن، و این همان دین ابراهیم علیه السلام است و کسی که از دین ابراهیم علیه السلام روی گرداند نادان و دیوانه و احمق است، و پیروی از دین ابراهیم علیه السلام همان أسوه و قدوهٔ حسنه و نیک است، خداوند می‌فرماید: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ﴾ [الممتحنة: ۴].

«به راستی که برایتان در ابراهیم و آنان که با او همراه بودند، سرمشقی نیکوست چون به قوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم. به شما ناباور شده‌ایم، و بین ما و شما برای همیشه دشمنی و کینه پدید آمده است، تا اینکه تنها به خداوند ایمان آورید».

و طاغوت اسمی عام است که: هر ثانیچه را که غیر از خداوند عبادت شود، و او به این عبادت راضی باشد، و در جهت اطاعت خدا و رسول خدا نباشد شامل می‌شود. طاغوت‌ها انواع زیادی‌اند، و سران طاغوت پنج چیزاند.

اول: شیطان: که به سوی عبادت غیر از خدای یکتا دعوت می‌کند، خداوند می‌فرماید: ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَیَّ ءَادَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ [یس: ۶۰].
 «ای فرزندان آدم، آیا به حکم نکرده بودم که شیطان را نپرستید. که او برایتان دشمن آشکار است».

دوم: حاکم و پادشاه ظالم و ستمکار که حکم خدا را تغییر می‌دهد.
 خداوند می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ ۚ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۶۰].

«آیا به کسانی که گمان می‌برند که آنان به آنچه به سوی تو فرو فرستاده شده، و آنچه پیش از تو فرو فرستاده شده است، ایمان آورده‌اند، ننگریسته‌ای؟ می‌خواهند که به طاغوت حکم برند، حال آنکه فرمان یافته‌اند که به او کفر ورزند، و شیطان می‌خواهد که آنها را به گمراهی ای دور و دراز افکند».

سوم: کسی که به غیر از حُکَم خدا قضاوت نماید.
 خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ [المائدة: ۴۴].

«هرکس که به آنچه خداوند نازل کرده است حکم نکند، ایانند که کافرنند».
 چهارم: کسی که ادعای علم غیب می‌کند.
 خداوند می‌فرماید: ﴿عَلِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ۖ إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا﴾ [الجن: ۲۶-۲۷].
 «(پروردگارم) دانای غیب است. و کسی را بر غیب خویش آگاه نمی‌سازد. مگر کسانی از رسولانی را که خود پسندد. که او پیشاپیش و پشت سر او نگهبانی رهسپار می‌کند».

و همچنین می‌فرماید: ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَتٍ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَأْبَسُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ [الأنعام: ۵۹].

«و کلیدهای غیب به نزد اوست. جز او (کسی) از آن آگاه نیست و می‌داند آنچه را که در بیابان و دریاست، و هیچ برگ (از درخت) نمی‌افتد مگر آنکه آن را می‌داند و هیچ دانه ای در تاریکی‌های زمین (نمی‌افتد) و نه هیچ‌تر و خشکی مگر آنکه در کتابی روشن (نوشته) است».

پنجم: کسی که او را بغیر از خدا عبادت می‌کنند، و او به آن عبادت راضی است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِّنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۲۹].

«و هرکس از آنان که بگوید: من به جای او خدا هستم، جهنم را سزای او می‌گردانیم. بدینسان به ستمکاران سزا می‌دهیم».

و بدانکه انسان نمی‌تواند مؤمن به خدا شود تا زمانی که به طاغوت کفر نرزد. خداوند می‌فرماید: ﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۵۶].

«پس هرکس که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، (بداند) که به دستاویزی (بس) محکم چنگ زده است (که) آن گسستنی ندارد. و خداوند شنوای داناست».

بدانکه رشد و هدایت دین محمد ﷺ است، و گمراهی دین ابوجهل است، و رشته استوار و محکم شهادت آن لا اله الا الله است، یعنی: گواهی دادن که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، که متضمن نفی و اثبات می‌باشد، تمامی انواع عبادت غیر از خدا را نفی می‌کند، و تمامی انواع عبادت را فقط برای خدای یکتا اثبات می‌کند. والحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات.